

شود ان کار بر او بویق کویم آو نقطه آتش در مرکز آتش طرف
 نشود مثل حیا که با سکنش بر کتی جماعت تولد کند کویم ان کار
 برای تا دو ساعت یاد و روزی بر آن نقطه آتش اول در مرکز آتش
 که تعلق بیاعت و ایام دارد و روح شد و نرویح دو چندان فرد
 است یعنی دو چندان خود باشد که نقطه آتش بر طرفه الخارج باشد چو
 بلجیاه ضرب کتی جمع تولد کند کویم این کار برای تا مدت چهار روز
 و نسیس علی هذا الی آتش لوق که کویم این کار برای تا مدت شانزده
 روز یا شانزده ساعت زیرا که آتش هشت باشد در مرکز آتش
 نرویح دلیل دو چندان باشد و همچنین دو چندان میشود در مرکز
 احاد که نقاط آتش باشد و در غیرت که نقاط یاد نرویح شود
 غیرت دو چندان و در میثات که نقاط باشد نرویح گردد
 محل خود میثات دو چندان میشود و در الوف که نقاط خاک باشد
 نرویح گردد الوف دو چندان گردد و اگر در سکنی غیر حکم نرویح
 دیگر است اگر نرویح کسی بر سنده چند باقی است تا از نرویح شدن
 اب خاک آنچه حاصل آید صد بست صوبت طرح کند آنچه کمتر از
 صوبت مانع سایل بود و اگر امره کسی سوال بود که آید
 از حد غیر امکا عری بیرونه امره باش صوبت صوبت بر قن
 و اگر سوال از عدد ز رود قن بود و عدد زاید الوصف بیرون
 این مختار به طرح صوبت نباشد بلکه جاه عدد باید گفتن امید بود

۱۱۰
۱۱۱
۱۱۲
۱۱۳
۱۱۴
۱۱۵
۱۱۶
۱۱۷
۱۱۸
۱۱۹
۱۲۰



اگر غیرت از باشد جران نقطه
 آتش بر را بخواهد و او نیست
 و بجایش بر است جز با و نرویح
 ن تولد کند و با نر فلب کرده شو
 کویم از سلطان بود باز و نرویح
 دیگر با او با و نرویح با نرویح
 با او نرویح دوست از سر و نرویح
 نرویح داشته باشد از نرویح آتش
 و در شکم بارین سنه

سرخط

سر نقطه حکم را ندیم بطریق سید و نقطه از طریق معتبر بود زیرا که
 در وی نرویح بود که نقطه بارز را در امیدیم در شکل که در سکنی وی
 امره وان خاک نضره اول خلست دم وی آتش عقداست و در این میل
 مکر بود در خانه در خانه آتش و اب مطلوبی که آتش فروح است
 در سیوم بود در مرکز اب اما ناظر بود بطالع سایل بتثلیت و عقدا
 به تثلیت و تسدیس و آتش در مرکز اب اتصال کلی دارو کویم شغل
 و کربت به نفع کلی مفر و ن خواهد شد اما در مزاج صفی و مرضی
 ظاهر خواهد شد سلطان و مادر و استاد را قهری خواهد بود
 فعل اما در مراد بنو خواهد بود بجهت مطلوب مانع کویم بجهت
 بودن عقدا در مرکز توافق و غیر کویم زمان که نرویح نوازه است
 شغل عیاد دل بودی و گاه مراد و گاه دلشکد و مرین بودی و با
 اهل علم نرادی و سستی بود بجهت شغل وان دوستی بتشویق این
 میل مطلوب مستقبل شغل با نضره الخارج است و با نرویح را در مرکز
 دید کویم به این تر بجهت شغل نشویق خواهد بود و سلطان
 و استاد در مقام امانت تو خواهد بود و بیماری خواهد کشید بجهت
 بوده کسب مطلوب غایبانه خاک نضره الما خل است و مطالب او خاک
 نرویح کویم از غیب از رخ و بوده از بجهت شغل مرضی خواهد
 بود و دشمن ظاهر خواهد شد احکام خانه یازدم اگر کسی سوال کند
 که امیری دارم بویق یا نه فلاة کس دوست نیست یا دشمن یا امرای